

روشنفکری دینی

پروانه امانی

به دنبال مقالاتی که تا کنون درباره مناظره آقایان سروش دباغ و عطا هودشتیان درباره روشنفکری دینی در برنامه پرگار نگاشته شده است، در این نوشتار کوتاه کوشش بر آن است که از منظر دیگری به این مناظره پرداخته شود. (۱) در مناظره پرسشی مبنی بر اینکه هدف روشنفکری دینی حفظ دین است یا ایجاد معنویت در جهان راززدایی شده، مطرح شد. به نظر می رسد عموم کسانی که بدون پیش فرض، مطالعاتی در زمینه روشنفکری دینی داشته اند، بر خلاف آقای هودشتیان، برداشتشان از هدف روشنفکری دینی، شق دوم این پرسش بوده است؛ یعنی، ایجاد معنویت در جهان راززدایی شده.

(۲) آقای هودشتیان یکی از مولفه های روشنفکری را عقلانیت برشمردند و در ادامه، جمع دینداری و عقلانیت را که بنا به دیدگاه روشنفکران دینی به روشنفکری دینی منجر می شود، غیر قابل قبول دانستند. حال با توجه به همین موضوع یعنی برشمردن مولفه عقلانیت برای روشنفکری، می توان گفت که بر خلاف رای ایشان، روشنفکری دینی امری عقلانی به شمار می آید و جمع روشنفکری و دین امکان پذیر است چرا که روشنفکری دینی به دلیل پرداختن به دین، به عنوان عنصر اساسی بافت جامعه ایران و نادیده نگرفتن آن، عقلانی محسوب می شود. درحالیکه بر خلاف تصور ایشان اتفاقاً روشنفکری غیر دینی را به دلیل لحاظ نکردن این عنصر مهم نمی توان عقلانی تلقی کرد. مگر آنکه به اثبات این امر بپردازد که دین امری ضد عقلانی است که باز هم توفیق نخواهد یافت چرا که اولاً تا کنون مسائل درون دینی بسیاری توسط اندیشمندان بررسی عقلانی شده است و دوماً عموم دینداران، دین را واجد مولفه هایی می دانند که با اثبات عقلانی سازگار نیست.

علاوه بر آن، باید توجه داشت که متعلق کنکاش روشنفکری دینی، صرفاً دین به معنای خاص یعنی یکی از ادیان شناخته شده نیست؛ بلکه علاوه بر آن، ایجاد معنویت در جهان جدید است که با توجه به توضیحات آقای دباغ و بحث مربوط به شباهت خانوادگی و اصناف روشنفکرها و دینداریها، طیف گسترده ای را در برمی گیرد. مطابق با این توضیحات، مفاهیم به دو دسته مفاهیم "طبیعی" و مفاهیم "برساخته اجتماعی" تقسیم می شود و روشنفکری در عداد مفاهیم "برساخته اجتماعی" قرار می گیرد. بر اساس توضیحات ایشان حتی اگر بتوان برای مفاهیم "طبیعی" قائل به ذات شد برای مفاهیم "برساخته اجتماعی" که در تعامل با جامعه انسانی شکل می گیرد، نمی توان قائل به ذات بود. وی ضمن اشاره به مفهوم "شباهت خانوادگی" ویتگنشتان به این نتیجه می رسد که باید به جای سخن گفتن از

روشنفکری و دین ورزی صرف از اصناف روشنفکریها و دین ورزیها سخن گفت. از این رو بر اساس این شرح، بسیاری از گروههای در پی معنویت و معنویت گرا که احتمالا موافق با روشنفکری دینی هم نیستند، بی آنکه بدانند، خود روشنفکر دینی اند.

با این وصف، در مجموع می توان گفت که روشنفکری غیر دینی، امری ضد عقلانی خواهد بود نه روشنفکری دینی که به بحث درباره عنصر اساسی جامعه ایران می پردازد و سعی در زدودن و پالایش آن دارد.

۳) آقای هودشتیان هدف روشنفکری دینی را حفظ دین دانست. درحالیکه اتفاقا به دلایل زیر عمل روشنفکری غیر دینی، به حفظ دین منجر می شود.

۱-۳) دلیل نخست آن است که مردم از خلال بحثهای روشنفکری دینی جرات بحث و شنیدن سخن را می یابند که این عمل بتدریج به خرافه زدایی از دین و گذر از آن منجر خواهد شد. این در حالی است که آنان به روشنفکری غیر دینی صرف، واکنش منفی نشان می دهند زیرا از این که به مقوله اساسی بافت جامعه بی توجهی شود و یا به کنار نهاده شود، بیم دارند. آنان روشنفکری غیر دینی صرف را معادل رواج بی دینی و بی بند و باری می دانند که ابدا مطلوب نظرشان نیست و تمایلی بدان ندارند لذا جلودار اینگونه بحثها خواهند شد. بنابراین این امر سد گذر از خرافه خواهد شد و بر خلاف تصور ایشان منجر به حفظ دین خواهد شد.

۲-۳) علاوه بر آن، حتی اگر مردم در یک مقطع زمانی و به دلیل فشار اجتماعی، به روشنفکری صرف روی خوش نشان دهند، این امر موقتی خواهد بود چراکه با توجه به مصادیق موجود، به دلیل کج فهمی و سوء استفاده و رواج بی بند و باری و بی اخلاقی برخی از روشنفکران این قشر، بار دیگر و با شدت بیشتری خواهان بازگشت به دوران پیشین و پذیرش و حفظ دین خواهند بود.

۴) بر خلاف تصور آقای هودشتیان حرکت روشنفکری دینی گذرا و موقتی نیست که مربوط به زمان خاصی باشد به دلیل اینکه تمایل به دینداری در انسانها ریشه دار است. البته احتمال تغییر و تحول در این امر وجود دارد اما اینکه به طور کامل ریشه کن شود، تصوری باطل است. زمانی روشنفکری دینی گذرا و مقطعی خواهد بود که معنویت در جوامع به طور کامل ریشه کن گردد. در حالیکه اگر به فرض هم این امر روی دهد به این زودیها نخواهد بود. با این وصف، روشنفکری دینی در هر زمان و به فراخور نیازهای مربوط به آن زمان بحثی ادامه دار خواهد بود.

۵) مخاطب روشنفکری صرف غیر دینی در ایران افراد معدودی هستند و یا خواهند بود که این افراد نیز عموما به دلیل سوء استفاده و رفتارهای خارج از اخلاق و عرف بافت جامعه ایران، طرد خواهند شد و وجود آنان خطری برای گذر از خرافه های با نام دین خواهد بود.

۶) با اینحال، بر خلاف مشی روشنفکری غیر دینی، دست کم آنگونه که از سخنان آقای هودشتیان برداشت می شود، روشنفکری دینی به فعالیت روشنفکری غیر دینی و ادامه پروژه فکری آن به دیده عنایت می نگرد و بنا بر

اصول روشنفکری انتظار این است که روشنفکری غیر دینی نیز متقابلاً به فعالیت روشنفکری دینی به دیده عنایت بنگرد. بدون شک تلاش هر دو گروه به نوبه خود، منجر به رشد و ارتقا سطح آگاهی و فرهنگ عمومی جامعه ایران خواهد شد و ثمرات ارزشمندی را در پی خواهد داشت.

در مجموع می توان گفت که روشنفکران دینی، انسانهایی آراسته به گوهر معنویت و اخلاق با هدایت عقلند که امید است با واقع بینی و کنار نهادن تعصب، قدرت طلبی و مخالفت های کور روز به روز بر شمارشان افزوده گردد.